

مهسا ناطقی | با وجود اختلال در واردات، جهش قیمت مواد اولیه و آسیب به صنایع بالادستی پتروشیمی و فولاد، پروژه‌های زیرساختی انرژی متوقف نشده‌اند؛ اما تحت فشار شدید هزینه‌ای و لجستیکی قرار دارند. در این گزارش، به بررسی چگونگی ادامه مسیر صنعت تجدیدپذیر و انرژی‌های نو برای عبور از این مسئله پرداختیم؛ مسیری که اگرچه پرهزینه شده؛ اما همچنان باز است.

کارشناسی می‌گویند راه عبور، بازآرایی زنجیره تأمین از مسیر تنوع‌بخشی واردات، تسهیل مقررات، استفاده از ارز صادراتی و حمایت هدمفند دولت است.

■ اختلال در واردات و ضرورت تعریف مسیرهای جایگزین

شهریار صابر، نایب رئیس اول انجمن ساتکا در گفت‌وگو با قدس در خصوص وابستگی بالای صنعت خورشیدی به واردات تجهیزات می‌گوید: اقلام اصلی نیروگاه‌های خورشیدی از جمله پنل و اینورتر وارداتی هستند و طبق آنچه می‌دانیم، در شرایط فعلی روند واردات با اختلال جدی مواجه شده است.

به گفته او، این اختلال می‌تواند به افزایش هزینه تمام شده پروژه‌های تجدیدپذیر منجر شود. صابر درباره نقش همفکری تأمین‌کنندگان و تولیدکنندگان فعال در این صنعت با دولت در پر کردن این خلأ اظهار می‌کند: انجمن ساتکا در حال مذاکره با دولت برای تعریف مسیرهای جایگزین وارداتی؛ به‌ویژه از طریق مسیرهای زمینی است. هرچند این مسیرها ظرفیت و کارایی مسیرهای دریایی را ندارند؛ اما در شرایط فعلی باید ممکن‌ترین مسیرها را شناسایی کنیم و به بیشترین بهره‌وری از آن‌ها برسیم. صابر همچنین به گزینه‌های جایگزین حمل‌ونقل اشاره کرده و می‌افزاید: در شرایط فعلی، یکی از مسیرهای قابل استفاده برای واردات تجهیزات، انتقال کالا از طریق دریای سیاه به ترکیه و سپس ورود زمینی به ایران است؛ مسیری که می‌تواند به‌طور موقت جایگزین مسیرهای دریایی مستقیم شود.

■ توقف پروژه‌ها پشت در سامانه‌های داخلی

او همچنین یکی از مشکلات فوری صنعت را توقف سامانه‌های مرتبط با صدور مجوزها و ثبت درخواست‌ها می‌داند. به گفته صابر پروژه‌هایی که در مرحله ثبت درخواست، مکاتبه یا عقد قرارداد بودند، به دلیل قطعی سامانه‌ها نزدیک به دو ماه است متوقف مانده‌اند. ادامه این وضعیت می‌تواند انگیزه سرمایه‌گذاری در حوزه تجدیدپذیرها را کاهش دهد و لازم است مسئولان هرچه سریع‌تر برای فعال‌سازی کامل این سامانه‌ها اقدام کنند. این معضل یک تنه جلو پیشبرد پروژه‌ها را گرفته در صورتی که حل آن نه به تحریم خارجی و نه به آسیب ناشی از جنگ برمی‌گردد و صرفاً راه‌آه‌ای برای حل مشکل می‌خواهد.

■ چالش تأمین سازه‌های فلزی با خروج فولاد از مدار

صابر در ادامه به چالش دیگری در زنجیره تأمین اشاره می‌کند: خروج فولاد مبارکه از مدار تولید؛ این مجموعه یکی از مهم‌ترین تأمین‌کنندگان ورق و مقاطع فولادی کشور است و توقف تولید آن می‌تواند تأمین سازه‌های فلزی نیروگاه‌ها را با مشکل جدی مواجه کند. او هشدار

تنوع‌بخشی به مبادی خرید و بازگشایی مسیرهای ترانزیتی، راهکارهای چابک برای خنثی‌سازی جهش‌های قیمتی در صنایع زیرساختی هستند

مهندسی معکوس برای بازآرایی زنجیره تأمین



داد کمبود مقاطع فولادی که اکنون آغاز شده، در ماه‌های آینده بیشتر خود را نشان خواهد داد و دولت باید برای تأمین این مواد از مسیرهای جایگزین وارداتی؛ از جمله حمل زمینی و ریلی و در صورت امکان مسیرهای دریایی برنامه‌ریزی کند.

■ مواد پتروشیمی؛ خط قرمز صنعت سیم و کابل
شریعتی راد، عضو هیئت مدیره انجمن ساتکا و یکی از تولیدکنندگان سیم و کابل در حوزه تجدیدپذیرها، در گفت‌وگو با قدس معتقد است پس از جنگ اخیر مشکلات فراوانی برای صنعت انرژی‌های تجدیدپذیر و صنایع وابسته ایجاد شده است.

به گفته او تولیدکنندگان داخلی این حوزه با دشواری‌های جدی در تأمین مواد اولیه پتروشیمی و فرایندهای اداری از جمله ثبت سفارش تجهیزات بخش‌های AC و DC روبرو شده‌اند.

او می‌گوید: در روزهای اخیر با توجه به جلسات دولت و بخش خصوصی، دولت موضوع را در دستور کار قرار داده و راهکارهایی ارائه کرده است. با این حال فعالان این صنعت همچنان از طریق وزارت صمت در حال پیگیری هستند تا امکان واردات مواد اولیه مورد نیاز به مقدار کافی فراهم شود.

شریعتی راد افزایش شدید قیمت مواد پتروشیمی را یکی از مهم‌ترین عوامل فشار بر صنعت می‌داند و می‌افزاید: توجه به آسیب به مبادی تولید داخل پتروشیمی، عرضه

مواد پتروشیمی در بازار کاهش یافته است و همین به هم خوردن عرضه و تقاضا سبب افزایش قیمت شده است. قیمت محصولات پتروشیمی تقریباً سه برابر شده و این افزایش بی‌شک در قیمت نهایی تجهیزات اثرگذار خواهد بود.

او تأکید می‌کند: دست‌کم در دو سال آینده واردات نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین تجهیزات خواهد داشت و چین و ترکیه به دلیل ظرفیت تولید بالا و کیفیت مناسب، مهم‌ترین اهداف وارداتی برای فعالان صنعت هستند.

■ هزینه حمل و نقل از عوامل تعیین‌کننده قیمت نهایی
با این حال، هزینه حمل و نقل به یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده در قیمت نهایی تجهیزات تبدیل شده است. شریعتی راد توضیح می‌دهد: در شرایط عادی حمل دریایی هر کانتینر حدود ۳ هزار دلار هزینه داشت؛ اما اکنون با توجه به تغییر مسیر، هزینه یک کانتینر ۲۰ فوت به حدود ۱۲ هزار دلار رسیده است. ناچاریم کالاها را از مسیر ریلی وارد کنیم. برای مثال در شرق کشور، در حال انتقال مسیر وارداتمان به مرز سرخس هستیم، اگرچه این مسیر نیز محدودیت ظرفیت دارد و ممکن است به‌زودی به گلوگاه واردات تجهیزات تبدیل شود. ترافیک ریلی با توجه به حجم واردات قابل پیش‌بینی است. این مسئله در دو ماه آینده می‌تواند آثار خود را بر بازار انرژی نشان دهد.

شریعتی راد همچنین از جهش قیمتی مواد اولیه خبر می‌دهد و اظهار می‌کند: قیمت PVC از کیلویی حدود ۱۰۰

تومان به ۳۵۰ تومان رسیده و این موضوع به‌طور مستقیم قیمت سیم و کابل را افزایش می‌دهد. به گفته او، راهکار کوتاه‌مدت در شرایط فعلی واردات است؛ زیرا برخی از واحدهای مهم پتروشیمی از مدار تولید خارج شده‌اند و حتی در خوشبینانه‌ترین سناریوها بازگشت کامل آن‌ها ممکن است تا سه سال زمان ببرد. شریعتی راد به خسارت‌های زیرساختی ناشی از جنگ اشاره می‌کند و می‌گوید: در حالی که طی دو سال گذشته حدود ۳ هزار مگاوات ظرفیت نیروگاهی جدید وارد مدار شده بود، حدود هزار و ۷۰۰ مگاوات از ظرفیت مرتبط با پتروشیمی‌ها از بین رفت و در مجموع نزدیک به ۲ هزار مگاوات از زیرساخت انرژی کشور آسیب وارد شده است. اگرچه این آسیب به نیروگاه‌های سیکل ترکیبی وارد شده و اکنون که ناچار به ساختن دوباره هستیم، موضوعی را می‌توان فرصتی برای بازسازی تولید برق با انرژی تجدیدپذیر دانست؛ به شرطی که حمایت دولت در کنار اراده سازندگان قرار گیرد.

■ تأمین تجهیزات از فولاد تا کابل زیر فشار

در کنار سایر چالش‌ها، تأمین‌کنندگان تجهیزات نیروگاه‌های خورشیدی از رشد هزینه مواد اولیه خبر می‌دهند. غیور، یکی از تأمین‌کنندگان تجهیزات نیروگاه‌های خورشیدی به قدس می‌گوید: اجرای پروژه‌ها متوقف نشده؛ اما فشار اصلی در بخش تأمین تجهیزات است؛ به‌ویژه با افزایش قیمت‌های بازگانی خارجی و

مشکلات در زنجیره پتروشیمی و فولاد که هزینه سازه‌ها و کابل را بالا برده است.

به گفته او، با خروج فولاد مبارکه از مدار تولید، قیمت ورق فولادی مورد استفاده در سازه‌های نیروگاهی جهش یافته و در صورت جایگزین نشدن واردات یا احیای سریع تولید داخلی، احتمال افزایش بیشتر قیمت‌ها وجود دارد. همچنین کاهش عرضه داخلی و گرانی مواد پتروشیمی، بهای کابل را نیز به‌سرعت افزایش داده است.

او می‌افزاید: تغییر مسیرهای وارداتی؛ به‌ویژه جایگزینی مسیرهای زمینی به جای حمل و نقل در یایی خلیج فارس، هزینه‌ها را بیشتر کرده؛ هرچند در شرایط فعلی اجتناب‌ناپذیر است.

با این حال، به گفته این فعال صنعت خورشیدی، به دلیل ذخایر پیل‌های وارد شده در چارچوب برنامه توسعه ۳۰ هزار مگاواتی ساتبا پیش از جنگ، در کوتاه‌مدت کمبود جدی پنل وجود ندارد و عرضه این تجهیزات برای رساندن پروژه‌ها به پیک مصرف تابستان تسریع شده است.

همچنین در پی گزارش‌هایی درباره هدف گرفتن برخی از انبارها، دولت در چارچوب پدافند غیرعامل، خروج سریع تجهیزات از انبار و عرضه آن‌ها به بازار را در اولویت قرار داده است.

■ هشدار شکل‌گیری انحصار در واردات بعضی از مواد اولیه

محمود نجفی عرب، رئیس اتاق بازرگانی تهران به تازگی در نشست فعالان صنعتی با هشدار نسبت به شکل‌گیری انحصار در واردات برخی مواد اولیه صنعتی تأکید می‌کند: چنین روندی می‌تواند زمینه‌ساز فساد باشد و باید از سوی دولت و مجلس متوقف شود.

او قیمت‌گذاری دستوری را از جدی‌ترین مشکلات کنونی اقتصاد می‌داند و خواستار کنار گذاشتن آن و همچنین اجرای سازوکار واردات بدون انتقال ارز می‌شود. به گفته نجفی عرب، خروج موقت محصولات پتروشیمی و فولادی از بورس کالا نیز می‌تواند به تأمین روان‌تر نیاز صنایع کمک کند.

محمدمهدی پورابراهیم، قائم‌مقام اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی نیز در همین زمینه استفاده از ظرفیت کشورهای عضو اوراسیا را راهکاری برای تأمین این مواد و کاهش ریسک‌های تجاری دانسته و بر مدیریت چالش‌های لجستیکی و کوتاه‌سازی زمان واردات تأکید می‌کند.

سعید ترکمان، رئیس هیئت‌مدیره انجمن ملی صنایع پلیمر ایران نیز در این باره می‌گوید: صنایع پایین‌دستی سال گذشته حدود ۸/۵ میلیارد دلار محصولات پلیمری را از بورس کالا جذب کرده‌اند؛ اما ادامه تولید آن‌ها مستلزم واردات برخی مواد اولیه است. او با اشاره به افزایش قیمت‌ها و هزینه حمل و نقل، واردات را دشوار توصیف کرده و پیشنهاد می‌دهد: این فرایند با اتکا به ارز حاصل از صادرات تسهیل شود و امکان عبور موقت و صادرات دوباره برای فعالان این حوزه فراهم بیاید.

به نظر می‌رسد اختلالات لجستیکی، جهش قیمت مواد اولیه و گره‌های اداری، زنجیره تأمین این صنعت را با فشار جدی روبرو کرده است. از این رو بازآرایی مسیرهای تأمین، تنوع‌بخشی به مبادی واردات، استفاده از ارز صادراتی و حذف انحصار و موانع اداری می‌تواند مسیر مقاوم‌سازی این زنجیره را هموار کند.

گزارش

مطالبات «بی‌برگشت» بانک‌ها از مرز ۴۰۰ همت گذشت

وضعیت جنگی اقتصاد؛ زمانی برای بازگشت منابع به ریل تولید

نشان می‌دهد مطالبات مشکوک‌الوصول شبکه بانکی به متغیری اثرگذارتر از همیشه بر کارایی کل اقتصاد بدل شده است؛ ارقامی سنگین که می‌توانست در خدمت تولید، سرمایه‌گذاری و گردش سالم اعتبار قرار گیرد.

به گفته صاحب‌نظران وقتی افرادی به‌طور ویژه و بدون ارائه تضامین کافی به منابع بانکی با سود زیر ۱۰ درصد دسترسی دارند، احتمالاً به‌جای ورود به فعالیت مولد، همان منابع را در قالب سپرده بانکی با نرخ‌های بالاتر (مثلاً حوالی ۲۰ درصد) نگه می‌دارند و از مابه‌التفاوت نرخ‌ها هم به راحتی اقساط را می‌پردازند و هم سودی کم‌ریسک و مستمر برای خود فراهم می‌کنند؛ سودی که نه از دل تولید؛ بلکه از دل یک «آرbitrage» ساده و کم‌هزینه و به تعبیری اختلاف نرخ میان بازارها بیرون می‌آید؛ اما با شکل‌گیری این چرخه معیوب، منابعی که باید به سرمایه‌در گردش بنگاه‌ها، نوسازی خطوط تولید یا توسعه ظرفیت‌ها برسد، در همان شبکه بانکی حبس می‌شود و به بازتولید سودهای غیرمولد دامن می‌زند.

با توجه به اینکه پیامد این جابه‌جایی برای بخش واقعی اقتصاد فوری و ملموس است، بنگاه‌هایی که به تأمین مالی وابسته‌اند و با کمبود اعتبار و افزایش هزینه دسترسی به منابع مواجه می‌شوند، یا باید با نرخ‌های بالاتر و شروط سخت‌تر تسهیلات بگیرند، یا از توسعه و حتی تداوم فعالیت صرف‌نظر کنند. این فشار به‌ویژه در صنایع کوچک و متوسط به کاهش تولید، تعویق سرمایه‌گذاری و افت بهره‌وری می‌انجامد و همزمان بازدهی فعالیت‌های غیرمولد و کم‌ریسک از تولید پیشی می‌گیرد و سرمایه به‌جای کارخانه و خط تولید، به سمت بازی‌های نرخ و ترازنامه حرکت می‌کند.

■ طغیان تورم از کانال مطالبات بی‌برگشت

انحراف منابع اعتباری در سطح کلان به تشدید تورم منجر می‌شود. در اقتصادی با تورم حدود ۵۰ درصد، وقتی بازدهی سپرده و صندوق‌های درآمد ثابت به ترتیب حدود ۲۷ و ۳۷ درصد است، وام‌های زیر ۱۰ درصد به فرصتی طلایی برای سودگیری از شکاف نرخ‌ها تبدیل می‌شود؛ تسهیلاتی که به‌جای تأمین مالی تولید، در مسیرهای غیرمولد پارک می‌شود و بازدهی بدون پشتوانه را ایجاد می‌کند. نتیجه این وضعیت، کند شدن رشد ظرفیت تولید و حتی خروج بخشی از توان موجود از مدار و در نهایت افزایش قیمت‌ها از کانال کاهش عرضه است. همزمان سود ناشی از آرbitrage نرخ‌ها تقاضای سفته‌بازانه (نه

کیفیت اعتباری و تقویت اختیارات نهاد ناظر برای مداخله زودهنگام ضروری است.

همچنین باید سازوکار وصول و بازسازی بدهی‌ها کارآمد شود: تشکیل شرکت‌های مدیریت دارایی برای تجمیع مطالبات معوق، تسریع فرایند حقوقی، تبدیل بدهی به دارایی مولد و تفکیک «ناتوانی واقعی» از «بدحسابی راهبردی» تا حمایت از بنگاه‌های آسیب‌دیده با برخورد قاطع با بدهکاران بدحساب همراه شود.

در شرایط جنگی، هدایت اعتبار به زنجیره‌های کلیدی مانند غذا، دارو، انرژی و صادرات از طریق سبدهای اعتباری، تضمین‌های هوشمند و ابزارهایی مانند فاکتورینگ و تأمین مالی زنجیره تأمین، نقدینگی را بدون افزایش ریسک ترازنامه‌ای به بخش مولد می‌رساند.

در نهایت، بدون انضباط اقتصاد کلان، مهار تورم، کاهش بی‌ثباتی و هماهنگی سیاست پولی و مالی، این اصلاحات نتیجه نمی‌دهد. تداوم انحراف منابع بانکی اعتماد به عدالت در دسترسی به اعتبار و کارایی سیاست‌گذاری را فرسوده می‌کند، سیگنال‌های قیمتی را مخدوش و ریسک‌پذیری تولیدی را تشویق می‌کند؛ پیامدی که به خروج سرمایه انسانی و مالی از تولید، تلاطم بیشتر ترازنامه بانک‌ها، افت کیفیت رشد و تعمیق شکاف میان اقتصاد رسمی و واقعی می‌انجامد.



مصرفی) را تقویت و نوسان‌های قیمتی را تشدید می‌کند. از سوی دیگر، انباشت مطالبات مشکوک‌الوصول ترازنامه بانک‌ها را مختل کرده و آن‌ها را به جریان کسری از مسیرهای پرهزینه‌تر مانند افزایش نرخ‌های پیشنهادی برای جذب منابع یا اتکا به خطوط اعتباری سوق می‌دهد؛ مسیری که به رشد نقدینگی و انتقال فشار به سطح عمومی قیمت‌ها می‌انجامد. به این ترتیب، بدهی‌های بی‌برگشت از کانال‌های غیرمستقیم به تورم بازمی‌گردند. جمع‌بندی کارشناسان این است که برای کاهش مطالبات مشکوک‌الوصول و هدایت اعتبار به تولید در شرایط جنگی، باید سازوکار تخصیص اعتبار به‌صورت چندلایه، شفاف و داده‌محور بازآرایی شود و بستن مسیرهای انحرافی هم‌سنگ وصول بدهی‌های معوق است.

■ نسخه‌ای برای بازگشت اعتبار به ریل تولید در شرایط جنگی

کاهش مطالبات مشکوک‌الوصول و هدایت منابع به سمت فعالیت‌های مولد در اقتصادی که زیر فشارهای بیرونی و ناطمینیاتی داخلی قرار دارد، نیازمند مداخله‌ای در چند مرحله است؛ گام نخست در این مسیر شفاف‌سازی است. انتشار مستمر فهرست تسهیلات کلان و ذی‌نفعان نهایی، ایجاد «داشبورد عمومی» از کیفیت پرتفوی تسهیلات، نسبت مطالبات غیرجاری و تمرکز وام‌ها و نیز یکپارچه‌سازی پایگاه‌های اطلاعاتی برای اعتبارسنجی واقعی و شناسایی ذی‌نفعان مرتبط.

گام بعدی، اصلاح قیمت پول و حذف آرbitrage است؛ تسهیلات با نرخ پایین‌تر از تورم رانت‌زاست. در شرایط جنگی باید نرخ‌های ترجیحی را فقط به پروژه‌های اولویت‌دار داد، همراه با پرداخت مرحله‌ای، اتصال به پیشرفت فیزیکی، حساب امانی پروژه، ممنوعیت سپرده‌گذاری دوباره و جریمه و افزایش خودکار نرخ در صورت انحراف. نظارت پسینی باید هم‌سطح نظارت پیشینی باشد؛ مصرف منابع باید برخط رصد شود. ابزارهای دیجیتال برای رهگیری پرداخت‌ها، اتصال حساب‌های پروژه به زنجیره تأمین و تعریف «شناسه مصرف» تسهیلات، مسیر هزینه‌کرد را شفاف می‌کند؛ به‌ویژه برای سرمایه‌در گردش بنگاه‌های کوچک و متوسط.

در سطح حکمرانی بانکی، تمرکز بالای مطالبات مشکوک‌الوصول در برخی بانک‌ها نشان می‌دهد تعیین سقف سخت برای تمرکز تسهیلات، افشای منظم کیفیت دارایی‌ها، پیوند پاداش مدیران به